

جرم حکومتی؛ رویکردی نوین در تحلیل آسیب‌های اجتماعی

(مورد مطالعه: کودکان خیابانی شهر تهران)^۱

حسین غلامی^۲

نبی‌اله غلامی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۰۶

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۸

چکیده

با وجود آثار نامطلوب آسیب‌های اجتماعی، این آسیب‌ها معمولاً به‌عنوان موضوعاتی اجتماعی و نه حقوقی-کیفری مدنظر قرار گرفته‌اند. تلقی رایج از این آسیب‌ها موجب شده است تا بیشترین تمرکز بر چرایی آن‌ها معطوف و از توجه به مسئولیت حکمرانان درمورد ایجاد و تداوم آن‌ها غفلت شود. پدیده کودکان خیابانی یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی در جامعه ایرانی است که هرچند از جنبه‌های گوناگون بررسی شده است، درنظرگرفتن مسئولیت برای حکومت و مقامات حکومتی، از جمله موضوعات مغفول در این حوزه است. در چند دهه اخیر و ذیل پذیرش رویکرد موسوم به جرم حکومتی، امروزه برای حکومت‌ها (به‌مثابه مجرمان) نیز درباره آسیب‌های اجتماعی قائل به مسئولیت کیفری شده‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر که با بررسی نظریه‌های رایج ذیل جرم حکومتی و با مطالعه میدانی ۱۰۰ کودک خیابانی در شهر تهران به‌دست آمده است، نشان می‌دهد که فقر، مشکلات خانوادگی، هزینه‌های بالای زندگی (به‌طور خاص در کلان‌شهر تهران) و نیاز کودکان به سرگرمی و آزادی، مهم‌ترین دلایل ایجاد و تداوم پدیده کودکان خیابانی است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد در کنار دلایل موجود برای ایجاد پدیده کودکان خیابانی، غفلت و بی‌توجهی نهادها و مقامات مختلف در سطوح گوناگون تصمیم‌گیری-اجرایی، از مهم‌ترین دلایل ایجاد و تداوم این پدیده شوم در جامعه ایران است. هر چند مقررات کیفری ایران درباره پاسخ به مرتکبان جرم حکومتی بسیار ناکافی است، با توجه به مقررات موجود، می‌توان پاسخ‌های حداقلی را برای این اشخاص درباره مسئولیت آن‌ها در قبال کودکان خیابانی درنظر گرفت.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌های اجتماعی، جرم، جرم حکومتی، حکومت، کودکان خیابانی.

۱. مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری نویسنده دوم با عنوان «پیشگیری از جرائم حکومتی در پرتو مؤلفه‌های حکمرانی خوب» است که در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی دفاع شده است.
۲. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، gholami1970@yahoo.com
۳. دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)، nabiollah.gholami@yahoo.com

مقدمه و طرح مسئله

بسیاری از جرم‌شناسان و در رأس آن‌ها دورکیم، جرم و انحرافات (آسیب‌های اجتماعی) را پدیده‌ای بهنجار دانسته‌اند (وایت و هینز، ۱۳۹۲: ۱۳۷-۱۷۷؛ ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۱: ۱۰۵-۱۲۲)، این قرائت از جرم و آسیب‌های اجتماعی لاجرم سبب پذیرش دو گزاره ذیل می‌شود: نخست اینکه به سبب طبیعی بودن، کسی درباره وقوع آن‌ها مسئولیتی ندارد؛ هرچند ممکن است فرد یا افرادی به دلیل آن‌ها مجازات نیز شوند. به سخن دیگر، چون آسیب‌های اجتماعی جزء طبیعی و لاینفک جوامع است، دلیلی برای مسئول دانستن شخص یا اشخاصی برای رخداد آن‌ها وجود ندارد. دوم اینکه حداکثر وظیفه حکومت و نهادهای آن، تلاش برای نگاه‌داشتن این آسیب‌ها در حد طبیعی و جلوگیری از گسترش آن‌ها (به عبارت دیگر جلوگیری از غیرطبیعی شدن آن‌ها) است. این قرائت از بهنجار بودن آسیب‌های اجتماعی در عمل سبب می‌شود هیچ تلاش بنیادینی برای حل این آسیب‌ها صورت نگیرد؛ از این‌رو حداقل از نظر تئوریک به مفاهیمی نیاز است که بتوان ذیل آن برای آسیب‌های اجتماعی مسئول خاصی را مشخص و او را بازخواست کرد.

وجود چنین قرائت‌هایی از مفهوم آسیب اجتماعی سبب شده است تا بررسی و مقابله با این آسیب‌ها تنها به بررسی علت‌شناختی و ریشه‌های شکل‌گیری آن‌ها محدود شود و هیچ‌گاه از مسئولیت عاملان ایجاد و تداوم این آسیب‌ها سخنی گفته نشود. با این حال در چند دهه اخیر (به‌طور خاص از اوایل دهه ۱۹۹۰)، ذیل مفهومی با عنوان «جرم حکومتی» تعیین مسئولیت برای حکومت و کارگزاران آن به‌عنوان عاملان و مسببان شکل‌گیری و تداوم بسیاری از آسیب‌های اجتماعی مدنظر قرار گرفته است. طرفداران رویکرد جرم حکومتی بر این باور هستند که حکومت به دلیل دراختیارداشتن سرمایه، امکانات، ابزار و وسایل باید اقدامات مناسب و متناسب را برای رفع آسیب‌های اجتماعی انجام دهد. وجود هر آسیبی در جامعه نیز بیانگر اجرانشدن وظایف و تکالیف دولت و استفاده نکردن بهینه از منابع و امکانات در دسترس است.

از جمله مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی در جامعه ایرانی، پدیده «کودکان خیابانی» است که با وجود افزایش روزافزون آن و آگاهی، تأکید و توجه به آن، چه در سطح علمی و چه در سطح سیاست‌گذاری، هنوز هم جامعه ایرانی با این پدیده شوم مواجه است. فارغ از دلایل شکل‌گیری این پدیده، یکی از موضوعات مهم در بررسی آن، رویکرد توأم با غفلت و بی‌توجهی بسیاری از

اشخاص مسئول در این حوزه است که برآیند رفتار آن‌ها به تداوم این آسیب در طول سال‌های متمادی منجر شده است.

وجود این کودکان که به صورت خاص در چهارراه‌ها و پشت چراغ‌قرمزها، متروها، پارک‌ها و معابر عمومی، چهره نازیبایی به شهر داده‌اند، موضوعی است که با وجود اشتراک نظر در نامیوم‌بودن آن، در عمل نتوانسته است اجماعی درباره مسئول قلمدادکردن ساختارهای رسمی حکومت فراهم کند. به عبارت دیگر، هرچند همه نهادها و مقامات رسمی بر این باورند که کودکان خیابانی نوعی آسیب اجتماعی تلقی می‌شوند، این پرسش مطرح است که مسئولیت ایجاد و تداوم این پدیده، حتی اگر به صورت مطلق و کامل نباشد با چه کسی است. به بیان دیگر، همان‌گونه که درباره بسیاری از نابهنجاری‌های مشابه، به دنبال یافتن مسئول ارتکاب و مؤاخذه عامل یا عاملان هستیم، درباره پدیده کودکان خیابانی باید چه شخص یا اشخاصی را مسئول بدانیم و از نظر کیفری مؤاخذه کنیم.

ضرورت پژوهش

براساس آمارهای رسمی اعلام شده توسط یونسف، حدود ۱۰۰ میلیون کودک در خیابان‌های سراسر جهان زندگی می‌کنند. با این حال اعلام تعداد دقیق کودکان خیابانی تقریباً غیرممکن است (رونسیف، استوجادینویک و باترنک^۱، ۲۰۱۳: ۸۳۶). یکی از علل عدم امکان احصای تعداد دقیق کودکان خیابانی، تفاوت در تعاریف ارائه شده از این پدیده، همگرایی و واگرایی آن با مفاهیم مشابه مانند کودکان کار، کار کودکان و... است. با این حال وجود و افزایش این پدیده در ایران، با وجود نداشتن آمار دقیق درباره آن، موضوعی غیرقابل انکار است. هر چند می‌توان کودکان خیابانی را محصول مشترک بسیاری از نابهنجاری‌های اجتماعی مانند فقر، طلاق، بیکاری، حاشیه‌نشینی، اعتیاد والدین و... دانست، آثار طولانی مدت این پدیده موضوعی است که ضرورت انجام پژوهش حاضر را بیش از پیش توجیه می‌کند. از نظر منطقی و ذیل بسیاری از رویکردهای جرم‌شناختی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و...، رشد کودکان در خیابان‌ها و بهره‌مندی نکردن آن‌ها از شرایط معمول و متداول زندگی، نه تنها سبب می‌شود این کودکان در فرایند جامعه‌پذیری ناموفق باشند، بلکه بزهکارانی بالقوه پرورش می‌یابند. به علاوه انجام پژوهش درمورد حوزه مسئولیت نهادها، سازمان‌ها، مقامات و مسئولانی که به صورت

مستقیم یا غیرمستقیم مسئولیت این کودکان را برعهده دارند، نه تنها از جهت فراهم کردن بستر برای اعمال مسئولیت قانونی درمورد این اشخاص و نهاد مؤثر است، بلکه از جهت امکان پیگیری بیشتر، مؤثرتر و سریع تر نهادهای جامعه مدنی درباره این کودکان اثرگذار است؛ زیرا به موجب ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (با اصلاحات ۱۳۹۴)، «سازمان‌های مردم نهادی که اساسنامه آن‌ها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوان و... حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم و در تمام مراحل دادرسی مرتکب شوند».

مفاهیم اصلی پژوهش

جرم حکومتی

جرم رفتاری است که در قوانین برای آن کیفر مشخص شده باشد. با این تعریف ابتدایی، مفهومی با عنوان جرم حکومتی چندان قابل توجیه به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در سیاهه قوانین، عنوان بدین شکل وجود ندارد. با این حال امروزه از منظر جرم‌شناختی - و نه حقوق کیفری کلاسیک - این مفهوم نه تنها به رسمیت شناخته شده است، بلکه رویکردی مهم در تبیین مسئولیت حکومت‌ها به شمار می‌آید.

برخی جرم حکومتی را جرمی دانسته‌اند که حکومت به عنوان یک کل یا توسط مجموعه‌ای از سازمان‌های حکومتی و شخصیت‌های حقوقی مرتکب می‌شود (ایان راس، ۱۳۹۰: ۲۹-۳۲). برخی دیگر آن را رفتار سازمان‌مند هیئت حاکمه یک کشور در جهت نقض یا نادیده‌گرفتن حقوق شهروندان آن کشور تعریف کرده‌اند (غلامی و عباسی، ۱۳۹۶: ۸۴). برخی دیگر نیز جرم حکومتی را شیوه‌های سازمان‌یافته‌ای می‌دانند که به منظور پیگیری اهداف و منافع حکومت انجام شده‌اند (روث و فردریکس، ۲۰۱۴: ۵۳-۹۷). همچنین براساس نظر برخی دیگر، جرم حکومتی اقدامات غیرقانونی، ضداجتماعی و ظالمانه‌ای است که برای منافع حکومت‌ها یا نهادهای حکومتی و نه برای سود فردی بروز می‌یابد (کازلاریچ، متیو و میلر، ۲۰۱۱). به هر حال اگر هر کدام از این تعاریف یا سایر تعاریف ارائه شده^۱ در این خصوص را بپذیریم، تفاوتی در این

۱. برای دیدن تعاریف دیگر از جرم حکومتی رک: گرین، پنی و تونی وارد (۱۳۹۸)، جرم حکومتی: دولت‌ها، خشونت و فساد، ترجمه نبی‌اله غلامی، تهران: انتشارات مجد.

مفهوم ایجاد نمی‌کند که جرم حکومتی به دنبال تعیین مسئولیت برای حکومت به دلیل فعل‌ها و ترک فعل‌های اوست. همچنین در جرم حکومتی، سازمان‌مندبودن رفتار حکومت شرط لازم است؛ یعنی برای اینکه بتوانیم رفتار حکومت را ذیل جرم حکومتی بررسی کنیم، باید این رفتار به صورت سازمانمند و ناشی از رفتارهای حکومت، به عنوان یک کل باشد، نه رفتار یک کارگزار حکومت و حتی یک نهاد وابسته به حکومت به صورت خودسرانه و خارج از رویکرد کلی حکومت.

لزوم سازمان‌مندبودن رفتار حکومت در تعریف زیر از جرم حکومتی به روشنی تصریح شده است. براساس این تعریف «رفتار سازمان‌یافته حکومت که به نقض حقوق بشری شهروندان منجر شود» (غلامی، ۱۳۹۸: ۳۸)، به عنوان تعریف جرم حکومتی در نظر گرفته شده است. سازمان‌مندبودن این رفتار به این مفهوم است که همه یا حداقل بیشتر نهادها و سازمان‌های حکومتی مسئول در حوزه‌ای خاص، به انجام فعلی مبادرت کنند که به نقض حقوق شهروندان منجر شود یا با خودداری از انجام وظایف خود، به شهروندان آسیب بزنند؛ برای مثال یک سازمان اجرایی رفتاری را انجام می‌دهد که به نقض حقوق شهروندان منجر می‌شود. همچنین سازمان‌های نظارتی که مسئول نظارت بر رفتار آن سازمان هستند و نیز نهادهای قضایی که مسئولیت پیگیری جرائم و رفتارهای ناقض قانون را برعهده دارند، از پیگیری رفتارهای سوء آن نهاد یا سازمان اجرایی اجتناب می‌کنند؛ در این حال برآیند یک رفتار مثبت (رفتار منجر به نقض حقوق شهروندان) و انجام ندادن تکالیف قانونی (نبود نظارت و تعقیب قضایی)، به تضییع حقوق شهروندان به صورت سازمان‌مند می‌انجامد که ذیل عنوان «جرم حکومتی» تعریف می‌شود.

مفهوم کودکان خیابانی

با وجود اینکه اصطلاح «کودکان خیابانی» در ادبیات جامعه‌شناسی واژه‌ای پرتکرار است، تعریف واحدی از این اصطلاح ارائه نشده است. در کنار نبود تعریف مشخص از این کودکان، همگرایی و وجوه اشتراک بین این اصطلاح با اصطلاحاتی مانند «کودکان کار»، «کودکان بی‌سرپرست»، «ولگرد» و... سبب شده است تا مفهومی با عنوان «کودکان خیابانی» مفهومی چندوجهی و نامشخص به نظر برسد. با این حال و در مقام جمع‌بندی نظریه‌ها و توصیفات ارائه شده از مفهوم کودکان خیابان، این اصطلاح را می‌توان مجموعه‌ای دانست که دربردارنده افراد و گروه‌های ذیل است: «کودکانی که خود به تنهایی یا همراه با خانواده‌هایشان در خیابان

زندگی می‌کنند، کودکانی که در طول روز در خیابان کار می‌کنند و شب به خانه می‌روند، کودکانی که به صورت محدود با خانواده‌هایشان ارتباط دارند و کودکانی که وقت خود را در خیابان‌ها سپری می‌کنند» (روزنبلات، ۱۳۹۹: ۵۴)، نقطه اشتراک گروه‌های ذکر شده در وجود نقش مهم خیابان و مرجعیت داشتن آن در زندگی این اشخاص است؛ به گونه‌ای که می‌توان کودکان خیابانی را کودکانی دانست که «تمام یا قسمت اعظمی از وقت خود را در خیابان سپری می‌کنند». براین اساس و با در نظر گرفتن مرجعیت خیابان برای تعیین خیابانی بودن کودکان، براساس اعلام یونیسف، بیش از ۱۰۰ میلیون کودک خیابانی در دنیا وجود دارد (رونسیف، استوجادینویک و باترنک، ۲۰۱۳: ۸۳۶). هر چند با وجود در نظر گرفتن این معیار، تعداد دقیق کودکان خیابانی در سراسر دنیا امری ناممکن به نظر می‌رسد.

علاوه بر تعاریف ارائه شده، براساس تعریف سازمان بهداشت جهانی، کودکان خیابانی در سه گروه طبقه‌بندی می‌شوند:

۱. کودکان در خیابان: این کودکان تنها در خیابان کار می‌کنند و شب‌ها نزد خانواده خود برمی‌گردند.

۲. کودکان خیابان: این کودکان یا خانواده ندارند، یا توسط خانواده خود رها شده‌اند، یا از خانه فرار کرده‌اند و در خیابان زندگی می‌کنند.

۳. کودک خانواده خیابانی: این کودکان با خانواده‌هایشان در خیابان‌ها زندگی می‌کنند.

ماده ۱ آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی (مصوب ۱۳۸۴) نیز تعریفی مشابه با تعریف سازمان بهداشت جهانی ارائه کرده است. براساس این ماده، کودک خیابانی به صورت زیر تعریف شده است: «فرد کمتر از ۱۸ سال تمام که به صورت محدود یا نامحدود در خیابان به سر می‌برد، اعم از کودکی که هنوز با خانواده خود تماس دارد و از سرپناه برخوردار است، یا کودکی که خیابان را خانه خود می‌داند و رابطه او با خانواده به حداقل رسیده است، یا اساساً چنین ارتباطی وجود ندارد».

از براین تعاریف ارائه شده و به عنوان ارائه تعریفی مشخص از «کودک خیابانی» به عنوان تعریف مختار این نوشتار، «کودک خیابانی به اشخاص زیر ۱۸ سالی گفته می‌شود که خیابان را محل اصلی زندگی خود انتخاب کرده‌اند، اعم از اینکه با خانواده خود ارتباط داشته یا نداشته

باشند، دارای مسکن و سرپناه باشند یا نباشد و با خانواده خود زندگی کنند یا با دوستان و همسالان خود، یا به تنهایی».

مبانی پذیرش مسئولیت حکومت در قبال کودکان خیابانی

با وجود تنوع نظریه‌ها در مورد مسئولیت مدنی حکومت‌ها، نظریه‌ای جامع درباره پذیرش مسئولیت کیفری آن‌ها وجود ندارد که بتواند به روشنی ابعاد و دلایل ارتکاب این موضوع را تبیین کند. با این حال از میان نظریه‌های موجود می‌توان از برخی برای تبیین نظری مسئولیت کیفری حکومت استفاده کرد.

الف) جرم‌شناسی انتقادی

جرم‌شناسی به عنوان علم بررسی علل وقوع جرائم، در ابتدا با تأکید بر جرائم افراد عادی شکل گرفت. انتشار کتاب «مرد بزهکار» توسط سزار لومبروز (پدر جرم‌شناسی علمی) مؤید این نکته است که رویکرد جرم‌شناسان به جرم پدیده‌ای شخصی است که به سبب ارتکاب آن، مرتکب مسئولیت کیفری دارد و اساساً حضور شخص دیگری غیر از مرتکب مستقیم جرم، در حیطه مسئولیت مرتکب منتفی است. پس از سال‌ها تأکید بر این رویکرد، عده‌ای از جرم‌شناسان این ایده را مطرح کردند که مطالعات و پژوهش‌های جرم‌شناسی با رویکردی مضیق تنها به مجرمان و محیط‌های شخصی آنان و نیز بر آمار جنایی که چندان قابل‌اتکا نیست متمرکز می‌کند و از بررسی تأثیر خود دولت، صاحبان قدرت، عدالت کیفری و نظام اقتصادی و فرهنگی حاکم بر انحراف‌های اجتماعی از جمله بزهکاری غفلت می‌کند (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۷-۱۸). با طرح این ایده معتقدان به آن، ذیل عنوان جرم‌شناسی انتقادی، با گذار از نظریه‌ها و رویکردهای غالب جرم‌شناسی، بر نقش ساختارها و نهادهای قدرت بر وقوع جرائم با دیدگاهی انتقادی متمرکز کردند. این حوزه از جرم‌شناسی، رویکرد مطالعاتی خود در زمینه بزهکاری را بر نظام سیاسی و اقتصادی حاکم، به‌ویژه ساختار قانون‌گذاری و عدالت کیفری متمرکز می‌کند و بر این باور است که تأکید جرم‌شناسی جریان اصلی به نقش افراد، به غفلت آن از نقش حکومت، دولت، سیستم عدالت کیفری و صاحبان قدرت منجر شده است. بر این اساس جرم‌شناسی انتقادی با تغییر توجه از اشخاص حقیقی (انسان) به اشخاص حقوقی (نهادهای و سازمان‌ها و به‌طور

خاص سازمان‌ها و ساختارهای حکومتی و رسمی)، نقش مهمی در شکل‌گیری اندیشه پذیرش مسئولیت کیفری برای حکومت‌ها ایفا می‌کند.

ب) زمیولوژی^۱

این عنوان در معنای اولیه واژه یونانی «زمیا»^۲ به معنای خسارت، آسیب، بلا و ضرر و زیان است (ون‌هام، ۱۳۹۲: ۹۲۶) و در ادبیات جرم‌شناسی در معنای «آسیب اجتماعی‌شناسی» تدقیق شده است (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیکی، ۱۳۹۰: ۲۰). در تعریفی ابتدایی و مختصر از آن باید گفت آسیب اجتماعی‌شناسی رشته‌ای است که قصد دارد با خروج از رویکرد قانونی به جرم و خسارت، به مطالعه آسیب‌های بالفعل یا بالقوه‌ای بپردازد که در جریان زندگی به رفاه افراد، صدمه وارد می‌کند (ون‌هام، ۱۳۹۲: ۹۲۶). این مفهوم به‌عنوان نسخه قرن بیست و یکمی جرم‌شناسی رادیکال (شهریاری و شمس‌ناتری، ۱۳۹۴: ۲۸۱) بر این باور است که جرم تنها یکی از انواع آسیب‌های اجتماعی است؛ از این‌رو جرم‌شناسی به‌دلیل وامداری به حقوق کیفری قادر نیست همه آسیب‌های اجتماعی را بررسی و ارزیابی کند (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیکی، ۱۳۹۰: ۲۰). از آنجا که بنیان‌گذاران آن، یعنی تامبس^۳ و هیلارد^۴ معتقد به مطالعه همه آسیب‌ها و صدمه‌های اجتماعی هستند که جرم تنها یکی از مصادیق آن‌ها محسوب می‌شود، تغییر عنوان مضیق «جرم‌شناسی»^۵ را به «آسیب اجتماعی‌شناسی» (زمیولوژی) پیشنهاد کرده‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۱۰۲۵). این افراد معتقدند از آنجا که جرم مفهومی مضیق است، به‌تبع آن جرم‌شناسی نیز با توجه به‌عنوان و رسالت خود نمی‌تواند به مطالعه انحراف‌ها و آسیب‌های اجتماعی دیگر بپردازد که گاه آثار زیان‌بارتری از جرائم سنگین برای جامعه بزه‌دیدگان و قربانیان خود دارد؛ زیرا چنین آسیب‌هایی هنوز وصف مجرمانه ندارند یا در طبقه جرائم مهم دسته‌بندی نشده‌اند؛ مانند جرائم زیست‌محیطی از جمله آلودگی هوا، مرگ‌ها، جراحات و معلولیت‌های ناشی از حوادث جاده‌ای و محیط کار که تلفات انسانی و ضایعات اجتماعی-اقتصادی آن‌ها در مقایسه با قتل یا ضرب و جرح عادی بیشتر است (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیکی، ۱۳۹۰: ۲۰).

-
1. Zemiology
 2. Zemias
 3. Steve Tombs
 4. Paddy Hillyard
 5. Criminology

شاخصه بارز آسیب اجتماعی‌شناسی، مطالعه و توجه به مفهوم جرم و خسارت و بایسته‌های آن دو خارج از رویکرد قانونی است. جرم براساس تعریف قانونی، اعمالی را در دسته‌های افعال و ترک افعال دربرمی‌گیرد که مشخصات خاص خود را دارند. آسیب اجتماعی‌شناسان بخشی از ناکارآمدی جرم‌شناسی کلاسیک را در همین موضوع می‌دانند. آنان عقیده دارند از آن جهت که جرم‌شناسی همواره موضوع مطالعات خود را حول محور جرائم تعریف و احصاشده توسط قانون‌گذار قرار داده است، نمی‌تواند به‌صورت واقعی علت آن را دریابد؛ زیرا جرم‌شناسی همیشه و همواره در افسون جرم است و به آن توجه دارد (هیلیارد و تامبس، ۲۰۰۸: ۸)؛ بنابراین آسیب‌اجتماعی‌شناسی رویکردی است که با گذار از جرم در معنای مصطلح، آسیب‌های اجتماعی (مانند کودکان کار) را که در معنای محض حقوقی واجد عنوان مجرمانه نیستند، ذیل شمول خود قرار دهد و بر لزوم در نظر گرفتن مسئولیت برای عاملان ایجاد و تداوم این آسیب‌ها تأکید کند.

روش پژوهش

با توجه به مصاحبه‌های صورت‌گرفته با کودکان خیابانی، روش پژوهش حاضر کیفی بوده و نمونه‌گیری آن به‌صورت هدفمند انجام شده است. با وجود اینکه بعد از مصاحبه با ۶۱ نفر از کودکان خیابانی، به‌دلیل تشابه میان اظهارات آن‌ها، اشباع حاصل شد، به‌منظور افزایش دقت در نتایج پژوهش، مصاحبه با همه جامعه پژوهش (۱۰۰ نفر) انجام شد. پس از اجرای مصاحبه‌ها، تجزیه و تحلیل آن‌ها با استفاده از روش کدگذاری باز انجام شد و نتایج آن ذیل موضوع علت‌شناسی پدیده کودکان خیابانی صورت گرفت.

نتایج پژوهش: علت‌شناسی پدیده کودکان خیابانی

فقر

در جامعه‌شناسی، فقر را «برآورده‌نشدن نیازهای اساسی بشر به حد کفایت» تعریف کرده‌اند (جک‌رال، ۱۳۵۴: ۱۵). با وجود اینکه ممکن است اجماع نظری درباره مفهوم نیازهای اساسی بشر وجود نداشته باشد، قدر متیقن از این مفهوم تأمین خوراک، پوشاک و مسکن است. استفاده از واژگانی مانند «نداری»، «گرسنگی»، «عدم امکان تحصیل» و... در صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان، به‌وضوح نشانگر برآورده‌نشدن نیازهای اولیه این کودکان است. نکته مهم

درباره این کودکان این است که بیشتر کودکانی که فقر عامل اصلی ورود آنها به خیابان بوده است، هم‌زمان کودک کار هم محسوب می‌شوند. اشتغال به مشاغلی مانند دست‌فروشی در معابر و پشت چراغ‌های قرمز و تکدی‌گری موجب شده است تا درباره این کودکان، فقر به‌مثابه عاملی برای اطلاق هم‌زمان عناوین «کودک خیابانی» و «کودک کار» بر این گروه از کودکان باشد. نقش فقر در بروز پدیده کودکان خیابانی، نه‌تنها در پژوهش حاضر که در بسیاری از پژوهش‌های دیگر اثبات شده است (ووگل و ملو^۱؛ بنیتز^۱؛ ۲۰۰۷؛ روزنبلات، ۱۳۹۹). در پژوهش حاضر ۴۳ درصد مصاحبه‌شوندگان، فقر را مهم‌ترین دلیل حضور در خیابان ذکر کرده‌اند.

در مورد عامل «فقر» برای بروز و تداوم پدیده کودکان خیابانی باید توجه داشت که نقش این پدیده به چند دلیل از سایر عوامل مؤثرتر است. نخست اینکه فقر علاوه بر شخص، خانواده او را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بدین‌دلیل بسیاری از کودکان خیابانی با خانواده‌هایشان زندگی می‌کنند. دوم اینکه فقر از یک سو می‌تواند موجب ورود کودکان به خیابان به‌دلیل نداشتن تمکن مالی خانواده‌هایشان در تأمین سرپناه باشد و از سوی دیگر می‌تواند با وارد آوردن فشار به خانواده‌ها، آنها را برای استفاده از کودکانشان و فرستادن آنها به خیابان برای کار تحت فشار قرار دهد. در نهایت اینکه فقر می‌تواند عاملی باشد که علاوه بر علت برای ورود کودکان به خیابان، بسترساز ارتکاب جرم (به‌طور خاص جرائم مالی) توسط این کودکان باشد.

مشکلات خانوادگی

منظور از مشکلات خانوادگی، مسائلی مانند جدایی یا اختلاف والدین، خشونت فیزیکی یا کلامی در منزل، اعتیاد والدین یا یکی از آنها و... است. در پژوهش حاضر، ۳۲ درصد مصاحبه‌شوندگان، مشکلات خانوادگی را دلیل اصلی حضور و زندگی در خیابان اظهار کرده‌اند که از این میان ۴۰ درصد خشونت والدین، ۳۳ درصد اعتیاد والدین، ۱۶ درصد بی‌توجهی والدین به آنها و دیگران نیز دلایل دیگری در این مورد بیان کرده‌اند. هر چند موارد مذکور به‌صورت مجزا و از سوی این کودکان بیان شده است، مانند بسیاری از پدیده‌های اجتماعی دیگر، هر یک از عوامل مذکور به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم می‌توانند در موارد دیگر تأثیرگذار باشند؛ برای مثال اعتیاد می‌تواند عاملی برای افزایش خشونت باشد، یا بی‌توجهی والدین ممکن است به اعتیاد فرزندان منجر شود.

هزینه‌های فراوان زندگی

سومین عامل مهم در مورد کودکان خیابانی، هزینه‌های فراوان زندگی و احساس نیاز این کودکان به کار به‌عنوان منبع درآمد برای خود و در بیشتر موارد به‌عنوان کمک‌خرج خانواده است. البته باید توجه داشت که حضور این کودکان در خیابان در بیشتر موارد بنا به درخواست خانواده و بدون رضایت یا تصمیم کودک انجام می‌شود. از میان کودکان مصاحبه‌شونده ۹ درصد الزام خانواده و ۳ درصد نیز انتخاب خود را عاملی برای حضور در خیابان اظهار کرده‌اند.

سرگرمی و آزادی

برخلاف پیش‌فرض‌های اولیه درباره دلیل حضور کودکان در خیابان، ۶ درصد از این افراد سرگرمی و آزادی را مهم‌ترین دلیل حضور در خیابان دانسته‌اند. تکرار واژگانی مانند «تفریح»، «این جور بیشتر حال می‌ده»، «خونه فقط محدودیته» و... از سوی این افراد نشان‌دهنده انتخاب خیابان به‌عنوان محلی برای تفریح و سرگرمی از سوی این اشخاص است.

سایر عوامل

با وجود اینکه هیچ یک از مصاحبه‌شوندگان در پاسخ‌های خود به عواملی مانند کارکردن برای اشخاص دیگر و تحت استثمار قرار گرفتن اشاره نکردند، بهره‌کشی اقتصادی از این کودکان موضوعی است که می‌تواند عاملی برای پدیده کودکان خیابانی باشد. اخبار جسته و گریخته‌ای که در برخی موارد در نشریه‌ها و فضای مجازی درباره فروش کودکان منتشر می‌شود، در کنار اطمینان از وجود باندهای مجرمانه موجب می‌شود تا استفاده ابزاری از این کودکان به‌عنوان نیروی کار راحت، ارزان و در دسترس عاملی برای رشد و تداوم پدیده کودکان خیابانی مدنظر قرار بگیرد؛ از این رو می‌توان درصد معدودی از کودکان را که از ارائه پاسخ مستقیم و صریح به دلیل حضور در خیابان خودداری کردند (با در نظر گرفتن سایر احتمالات ممکن) در زمره این طبقه قرار داد.

تحلیل مسئولیت حکومت درباره کودکان خیابانی

پدیده کودکان خیابانی از منظر جرم حکومتی را می‌توان در دو حوزه رفتار مثبت حکومت و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی و ترک فعل حکومت تحلیل کرد. با وجود اینکه براساس

پژوهش‌های انجام‌شده در بسیاری از کشورها، رفتار مثبت حکومت در قالب خشونت پلیس علیه این کودکان تجلی می‌یابد (روزنبلات، ۱۳۹۹: ۶۴)، بررسی‌های صورت‌گرفته در این پژوهش نشان می‌دهد در ایران این نوع سوءرفتار با کودکان خیابانی به‌طور خاص صورت نمی‌گیرد (حداقل اینکه مشاهده نشده است).

حوزه‌ای که به‌طور خاص می‌توان با توجه به آن مسئولیت حکومت در مورد این کودکان را تحلیل کرد، ترک فعل حکومت و بزه‌دیدگی این کودکان است. مطابق کنوانسیون حقوق کودک (مصوب ۱۹۸۹) که به‌موجب قانون اجازه‌الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک (مصوب ۱۳۷۲) در ایران نیز تعبیر شده است، حقوق چهارگانه «زندگی کردن»، «توسعه و پیشرفت»، «حفاظت در برابر تأثیرات آسیب‌زا، سوءاستفاده و استثمار» و «مشارکت کامل در زندگی خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی» به‌عنوان حقوق همه کودکان به رسمیت شناخته شده است و دولت‌ها در تحقق آن‌ها کوشش کرده‌اند. همچنین به‌موجب «کنوانسیون ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار» دولت‌ها موظف به مقابله با بدترین اشکال کار کودکان هستند. همچنین به‌موجب بند ۱ اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (درمورد لزوم تأمین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم به‌منظور تشکیل خانواده برای همه)، بند ۴ اصل ۴۳ اسلامی (درباره ممنوعیت از اجبار افراد به کار معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری) و اصل ۱۳۱ (حق بر داشتن مسکن متناسب)، دولت موظف به تأمین نیازهای مذکور همه افراد (و به‌طور خاص کودکان) است. همچنین به‌موجب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب ۱۳۸۱)، حمایت از کودکان تکلیف دستگاه قضایی کشور است.

مجموع مقررات داخلی و بین‌المللی موجود، نشان‌دهنده تکلیف دولت (در مفهوم موسع آن) برای تأمین نیازهای اساسی کودکان است. هر چند نمی‌توان به‌طور قطع بیان کرد که عمل کردن دولت به تکالیف مذکور، پدیده کودکان خیابانی را به‌طور کامل ریشه‌کن خواهد کرد، با این حال قدر متیقن این است که انجام‌ندادن تکالیف مصرح در قوانین از سوی دولت، مانند ایجاد مسکن، شغل، خوراک، پوشاک، بهداشت و... متناسب برای همه شهروندان، موجب بروز مشکلاتی مانند فقر (عامل اصلی پدیده کودکان خیابانی) شده است. از این منظر ارتباط ترک فعل حکومت در مورد انجام تکالیف و آسیب‌دیدگی کودکان خیابانی محرز می‌شود.

پاسخ به مجرمان حکومتی درباره کودکان خیابانی

با وجود اینکه در قوانین کیفری ایران به صراحت به جرم حکومتی و مسئولیت مرتکبان آن اشاره نشده است، با توجه به مباحث مطرح شده و با تدقیق در قوانین و مقررات کیفری می‌توان پاسخ‌های کیفری به مرتکبان این جرم را در مورد کودکان خیابانی مطرح کرد. در این مورد، با توجه به وظایف نهادهای مرتبط با هر قوه، به ترتیب در سه عنوان «نبود پیگرد کیفری و مسئولیت کیفری»، «ترک فعل دستگاه‌های اجرایی و مسئولیت کیفری» و «نبود نظارت و مسئولیت کیفری» مبانی قانونی پاسخ کیفری قابل‌اعمال بر هر یک تبیین می‌شود.

الف) پیگیری نکردن کیفری و مسئولیت کیفری

براساس ماده ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب ۱۳۸۱)، «کودک‌آزاری از جرائم عمومی است که به شکایت شاکی خصوصی احتیاج ندارد». با توجه به مواد مختلف این قانون، منظور از کودک‌آزاری موارد زیر است: هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که به صدمه روانی یا اخلاقی منجر شود، هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره بیندازد، هر گونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به‌کارگیری کودکان به‌منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان، نادیده‌گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی کودکان و ممانعت از تحصیل کودکان و نوجوانان.

با توجه به اینکه بیشتر مواردی که در این قانون به‌عنوان کودک‌آزاری مدنظر مقنن قرار گرفته‌اند، درباره کودکان خیابانی صادق است، دادستان هر شهرستان، به‌عنوان مسئول حفظ حقوق عامه و مدعی‌العموم آن شهرستان، موظف به طرح دعوا، پیگیری و تعقیب جرائم علیه این اشخاص است. با این حال وجود و ازدیاد این پدیده، حداقل در ظاهر، نشان‌دهنده نبود واکنش جدی نهادها و مسئولان قضایی به این پدیده شوم است.

همچنین به‌موجب ماده ۲ «دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه» مصوب ۱۳۹۷/۱۱/۶ ریاست قوه قضائیه، دادستان هر حوزه قضایی مکلف است در صورت اجرانکردن یا نقص حقوق عامه یا قریب‌الوقوع بودن آن، حسب مورد اقداماتی مانند «تعقیب کیفری متهمان، تذکر یا اخطار به دستگاه‌های اجرایی در صورت تعلل آن دستگاه برای اقامه دعوا، تذکر به مسئولان

دستگاه اجرایی و سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی درباره اقدامات منتهی به نقض حقوق عامه، درپیش گرفتن تدابیر پیشگیرانه و...» را انجام دهد.

با توجه به موارد فوق، دادستان‌های شهرستان‌ها چه از جهت وظیفه نظارتی خود برای حفظ حقوق عامه و چه از منظر وظیفه قضایی خود برای تعقیب جرائم دارای جنبه عمومی، موظف به انجام تکالیف قانونی خود در این حوزه هستند. درمورد تعقیب نکردن جرائم ارتكابی علیه کودکان خیابانی (مانند سوءاستفاده، بهره‌کشی و...) از سوی دادستان‌ها و مسئولیت کیفری این اشخاص باید توجه داشت که هر چند شاید نتوان مقرره‌ای را یافت که به صراحت، انجام ندادن تکالیف قانونی توسط آن‌ها را جرم‌انگاری کرده باشد، می‌توان با تفسیر موسع از ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)، اقدام نکردن دادستان‌ها درباره کودکان خیابانی را به‌عنوان رفتاری مجرمانه واجد مسئولیت کیفری دانست.

به‌موجب ماده مذکور «هر یک از مقامات قضایی که شکایت و تظلمی براساس شرایط قانونی نزد آن‌ها برده شود و با وجود اینکه رسیدگی به آن‌ها از وظایف آنان است، اگر به هر عذر و بهانه از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع، یا برخلاف صریح قانون رفتار کنند، دفعه اول از شش ماه تا یک سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از شغل قضایی محکوم می‌شوند و در هر صورت به تأدیه خسارات وارده نیز محکوم خواهند شد». در ماده فوق، پذیرفتن شکایت یا رفتار برخلاف قانون ذکر شده است. با توجه به اینکه شکایت تنها درمورد جرائم قابل‌گذشت موضوعیت دارد و درباره جرائم غیرقابل‌گذشت دادستان موظف به اقدام و پیگیری است، وقتی مقنن درباره جرائم خفیف‌تر (قابل‌گذشت و دارای جنبه خصوصی) برای مقامات قضایی مسئولیت کیفری قائل شده است، باید پذیرفت که درمورد جرائم غیرقابل‌گذشت به طریق اولی برای آن‌ها مسئولیت درنظر گرفته است.

ب) ترک فعل دستگاه‌های اجرایی و مسئولیت کیفی

براساس ماده ۲ آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی «سازمان بهزیستی کشور موظف است با همکاری و مشارکت شهرداری، انجمن‌های خیریه، تشکل‌های غیردولتی و نیروی انتظامی و با استفاده از مددکار اجتماعی (در قالب تیم تخصصی سیار یا مستقر در مراکز که با همکاری شهرداری‌ها سازمان‌دهی خواهد شد)، به شناسایی، جذب، پذیرش و توانمندسازی کودکان خیابانی در همه مراکز استان‌ها و در صورت صلاحدید کارگروه اجتماعی استان در شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر اقدام کند». همچنین به موجب ماده ۶ همین آیین‌نامه، سازمان‌ها و نهادهای زیر موظف به همکاری با سازمان بهزیستی و اجرای دستورات مذکور در این آیین‌نامه هستند: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران درمورد برقراری امنیت در فرایند شناسایی کودکان خیابانی و تعیین تکلیف کودکان خیابانی بزهکار، وزارت دادگستری درباره صدور مجوزها و احکام قضایی لازم در مراحل مختلف ساماندهی کودکان خیابانی و ارائه مشاوره حقوقی لازم برای تسهیل ساماندهی این کودکان، شهرداری‌ها درمورد تخصیص و تجهیز فضای فیزیکی مناسب برای اجرای مراحل ساماندهی و تأمین امکانات موردنیاز ساماندهی یا اجرای تصمیم‌های کارگروه اجتماعی استان، وزارت کار و امور اجتماعی درباره ارائه تسهیلات اعتباری اشتغال‌زا به خانواده‌های جویای کار کودکان خیابانی و کودکان بالای پانزده سال (با اولویت) و آموزش رایگان مهارت‌های شغلی به خانواده کودکان خیابانی و کودکان بالای پانزده سال توسط سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی درمورد تأمین نیازهای بهداشتی و درمانی کودکان خیابانی و خانواده‌های درجه اول آن‌ها، تأمین پزشک و پرستار مورد نیاز مراکز ساماندهی کودکان خیابانی، سازمان بیمه خدمات درمانی درباره تأمین و صدور بیمه‌نامه خدمات درمانی برای کودک و خانواده درجه اول وی حسب اعلام بهزیستی استان‌ها، سازمان تأمین اجتماعی در خصوص پوشش درمانی و خدمات مورد نیاز کودک و خانواده درجه اول وی در مراکز درمان و بیمارستان‌های تابعه بدون دریافت وجه، سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران درمورد اقدامات فرهنگی و تبلیغی لازم، تهیه برنامه‌ها و تیزرهای لازم برای آگاه‌سازی اقشار مختلف جامعه، همکاری رسانه‌ای با سازمان‌های مسئول در جهت انجام وظایف محوله به آنان، جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران درمورد تأمین خدمات حمایتی و انسان‌دوستانه برای کودک و خانواده وی در حد مقدور حسب درخواست بهزیستی

استان‌ها، وزارت آموزش و پرورش درمورد هشدار و آگاه‌سازی اولیای دانش‌آموزان از طریق طرح مسئله توسط انجمن‌های اولیا و مربیان، شناسایی و راهنمایی دانش‌آموزانی که در معرض آسیب هستند به کمک مشاور مدرسه با همکاری مددکاران سازمان بهزیستی، ارائه آموزش‌های لازم و آگاه‌سازی دانش‌آموزان از سوی مربیان و معلمان درمورد خطرات فرار از خانه و گروه‌های آسیب‌رسان و دام‌های اجتماعی و کمیته امداد امام (ره) درباره اعمال حمایت‌های لازم از خانواده‌های تحت پوشش دارای کودک خیابانی. همچنین به موجب بند ه ماده ۸۰ قانون برنامه ششم توسعه، سازمان بهزیستی مسئولیت دارد برای جمع‌آوری کودکان خیابانی با همکاری سایر دستگاه‌ها اقدامات لازم را انجام دهد.

مجموع مقررات فوق نشان‌دهنده این واقعیت است که مقنن ایران، چه در قالب قانون و چه در قالب آیین‌نامه به پدیده کودکان خیابانی واکنش نشان داده است. با این حال اظهارات معاون اجتماعی سازمان بهزیستی کل کشور، نشان‌دهنده نبود همکاری و مشارکت نهادها و سازمان‌های مسئول در این حوزه با سازمان بهزیستی است.^۱ اقدام‌نکردن و نبود همکاری مؤثر نهادها و سازمان‌های مذکور می‌تواند در قالب ترک فعل و مضمول ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) قرار بگیرد. براین اساس «چنانچه هر یک از صاحب‌منصبان، مستخدمان و مأموران دولتی و شهرداری‌ها در هر رتبه و مقامی که باشند از اجرای قوانین مملکتی جلوگیری کنند، به یک تا پنج سال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد». با وجود اینکه ظاهر ماده بر این است که مقام دولتی باید از اجرای قانون «جلوگیری کند» تا مضمول حکم این ماده باشد، با توجه به اینکه تکالیف مذکور درمورد کودکان خیابانی به عهده بالاترین مقام رسمی هر اداره، سازمان یا نهاد است، انجام‌ندادن این تکالیف از سوی بالاترین مقام اجرایی درواقع به معنای جلوگیری این شخص از انجام تکالیف قانونی خود است؛ چه اینکه جلوگیری از اجرا وقتی معنا دارد که تکالیف به عهده یک نفر باشد و شخص دیگر مانع اجرا شود؛ درحالی‌که درمورد کودکان خیابانی، تکالیف به عهده این سازمان‌هاست و عدم اجرا و جلوگیری از اجرا در هم مستتر هستند. هر چند با توجه به لزوم تفسیر مضیق قوانین کیفری، ارائه تفسیر مذکور شاید حداقل از منظر رویکرد رایج تفسیر قوانین ایراد داشته باشد.

۱. مصاحبه معاون اجتماعی سازمان بهزیستی کل کشور، مندرج در وب سایت جوان آنلاین؛ تاریخ ۱۴ مردادماه

در این مورد همچنین می‌توان به ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) نیز توجه داشت که براساس آن «هر یک از مقامات و مأموران وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی ملت را سلب یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم کند، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد». در این مورد نیز با توجه به اینکه حق بر سلامت، آزادی، تحصیل، مسکن و... در زمره حقوق مصرح در قانون اساسی است، خودداری مقامات و مسئولان از بسترسازی تحقق این حقوق، که به منزله محروم کردن شهروندان از این حقوق است، می‌تواند مصداقی از جرم مذکور در این ماده و مبنایی برای اعمال مسئولیت کیفری بر این اشخاص در مورد کودکان خیابانی باشد.

ج) فقدان نظارت و مسئولیت کیفری

سومین حوزه از نبود کنشگری حکومت درباره کودکان خیابانی، نظارت‌نداشتن دستگاه‌های نظارتی بر عملکرد نهادهای اجرایی و قضایی در مورد تکالیف قانونی آنهاست. با توجه به اینکه در مورد کودکان خیابانی، قوانین (مصوب مجلس) تا حد بسیار زیادی می‌تواند راهگشا باشد، در کنار وظیفه اصلی مجلس در مورد قانون‌گذاری، وظیفه نظارتی نیز از جمله وظایف قوه قانون‌گذاری ایران است. به موجب اصل ۷۶ قانون اساسی «مجلس شورای اسلامی حق پژوهش و تفحص در همه امور کشور را دارد». در این میان، اطلاق قید «تمام امور کشور» موجب می‌شود تا مسئولیت بررسی علل کوتاهی دستگاه‌های اجرایی کشور در مورد کودکان خیابانی را متوجه مجلس شورای اسلامی بدانیم. استفاده مجلس از ابزارهایی مانند اصل «کمیسیون اصل ۹۰»، سؤال از وزراء، استیضاح، به‌روزرسانی قوانین و تصویب قوانین در مورد حمایت از این کودکان مواردی هستند که استفاده نکردن مجلس از آنان در مورد وضعیت کودکان خیابانی را می‌توان به مثابه ترک فعل این قوه در نظر گرفت.

هر چند در قوانین جاری کشور، برای انجام وظیفه نکردن نمایندگان در وظایف نظارتی آنها، وصف مجرمانه‌ای در نظر گرفته نشده است، از منظر رویکرد جرم حکومتی، نبود نظارت نمایندگان مجلس (و به‌طور کلی قوه قانون‌گذاری کشور به‌عنوان یک کل) از مواردی است که با جمع سایر موارد، به تحقق عنوان مجرمانه جرم حکومتی منجر خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

کودکان خیابانی اشخاص زیر ۱۸ سالی هستند که بخش اعظم زندگی خود را در خیابان سپری می‌کنند و در واقع خیابان را نقطه مرجع می‌دانند. به دلیل شرایط خاص اقتصادی کشور، در بیشتر موارد پدیده کودک خیابانی با پدیده کودک کار همراه است. اهمیت توجه به این کودکان این است که به طور طبیعی باید انتظار داشت کودکان خیابانی امروز، بزهکاران فردا باشند و اشخاصی که امروز در شرایط نامناسب اجتماعی، اقتصادی، معیشتی و فرهنگی رشد می‌کنند، بستر بسیار مناسبی برای بزهکاری آنان در آینده به وجود می‌آید. با بررسی‌های انجام‌شده نتایج پژوهش حاضر به صورت زیر قابل ارائه است.

- نتایج پژوهش حاضر در مورد فقر، مشکلات خانوادگی و آزادی و سرگرمی به عنوان مهم‌ترین دلایل پدیده کودکان خیابانی، با پژوهش‌های انجام‌شده پیشین در این حوزه مطابقت دارد.

- با وجود اینکه در مطالعات بین‌المللی، بهره‌کشی اقتصادی، استثمار و قاچاق از مهم‌ترین علل ایجاد و تداوم پدیده کودکان خیابانی به شمار می‌آید، در پژوهش حاضر و شاید به دلیل ماهیت پنهان این جرائم و نیز ترس مصاحبه‌شوندگان، چنین عواملی تأیید نشدند.

- مسئولیت حکومت درباره این کودکان بر تکلیف این نهاد به تعهدات قانونی خود مبنی بر فراهم کردن امکانات، حمایت از این کودکان و مقابله با خشونت و بدرفتاری و ارائه حمایت‌های قانونی از آن‌ها مبتنی است.

- قوه قضائیه ایران به عنوان مسئول حمایت قضایی از این کودکان، مبتنی بر قوانین موجود وظیفه حمایت از این افراد، پیگیری قضایی مرتکبان جرم، خشونت، بدرفتاری، سوءاستفاده و... از این کودکان، اعلام جرم علیه سازمان‌ها و نهادهای بی‌توجه به حقوق این کودکان و... را عهده‌دار است. در این میان، بی‌مسئولیتی این قوه می‌تواند در قالب ترک فعل و ورود آسیب به این کودکان مدنظر قرار بگیرد.

- قوه مجریه به عنوان مسئول مستقیم اجرایی درباره این کودکان موظف است مطابق مقررات و قوانین موجود، به شناسایی، رصد، جمع‌آوری، سازمان‌دهی، ارائه حمایت و خدمات قانونی از این کودکان اقدام کند. کوتاهی این قوه می‌تواند در قالب ترک فعل و ورود آسیب به این کودکان مدنظر قرار بگیرد.

- قوه مقننه به‌عنوان نهاد اصلی قانون‌گذاری و نظارت در کشور، وظیفه دارد از همه ابزارهای قانونی خود، هم برای ارائه خدمات قانونی و هم برای نظارت بر نهادهای مسئول در قبال کودکان خیابانی اقدام کند. کوتاهی این قوه نیز می‌تواند به‌مثابه ترک فعل و عامل ایجاد آسیب برای کودکان خیابانی مدنظر قرار بگیرد.
- با وجود اینکه در قوانین جاری کشور، مسئولیت کیفری مقامات و مسئولان در قبال ترک فعل و انجام‌ندادن وظایف خود، چندان مدنظر قرار نگرفته است، مستفاد از مواد مختلفی از قوانین کیفری موجود می‌توان به شرح مذکور درباره بی‌توجهی این اشخاص و نهادها به حقوق کودکان خیابانی، قائل به مسئولیت کیفری بود.

منابع

- ایان راس، جفری (۱۳۹۰)، **تحولات جرم سیاسی**، ترجمه حسین غلامی، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- شهریار، بهمن و محمدابراهیم شمس‌ناتری (۱۳۹۴)، «مخاطرات گسترده اجتماعی در بستر مکاتب و اندیشه‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی»، **فصلنامه دانش مخاطرات**، شماره ۱۳: ۲۷۵-۲۸۹.
- راج، جکرال (۱۳۵۴)، **جامعه‌شناسی فقر**، ترجمه احمد کریمی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- روزنبلات، فرناندا فونسکا (۱۳۹۹)، «بزه‌دیدگی کودکان خیابانی در برزیل»، **در بزه‌دیده‌شناسی جرم حکومتی**، ویراسته داون آل روث و دیوید کازلاریچ، ترجمه نبی‌اله غلامی، تهران: انتشارات، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- غلامی، نبی‌اله و محمود عباسی (۱۳۹۶)، «درآمدی بر مفهوم جرم دولتی از منظر اصول اخلاق زیستی»، **فصلنامه اخلاق زیستی**، شماره ۲۴: ۸۳-۹۷.
- غلامی، نبی‌اله (۱۳۹۸)، **پیشگیری از جرائم حکومتی در پرتو مؤلفه‌های حکمرانی خوب**، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- گرین، پنی و تونی وارد (۱۳۹۷)، **جرم حکومتی؛ دولت‌ها، خشونت و فساد**، ترجمه نبی‌اله غلامی، تهران: انتشارات مجد.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۰)، «از جرم‌شناسی تا آسیب اجتماعی شناسی»، **مجله پژوهشات حقوقی (یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها)**، شماره ۵۶: ۱۰۱۵-۱۰۳۲.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم بیکی (۱۳۹۰)، **دانشنامه جرم‌شناسی**، تهران: انتشارات گنج دانش.
- وایت، راب و فیونا هینز (۱۳۹۲)، **جرم و جرم‌شناسی**، ترجمه علی سلیمی، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ون هام، فرانسواز (۱۳۹۲)، «آسیب اجتماعی شناسی؛ رشته جدید، توسعه قلمرو جرم‌شناسی؟» **مجموعه مقالات دایره‌المعارف علوم جنایی (کتاب دوم)**، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان: ۹۱۷-۹۲۹.
- ویلیامز، فرانک پی و مارل لیدنی مک شین (۱۳۹۱)، **نظریه‌های جرم‌شناسی**، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- Benitez, S.T. De (2007), **State of the World's Street Children: Violence**, London: Consortium for Street Children Press.

- Hillyard, P., and Tombs, S. (2008), Beyond Criminology?, **In Criminal Obsessions: Why Harm Matters More Than Crime**. London, Pluto: 6-23.
- Kozarich D., Mateo R., and Nad Miler WJ. (2011), "Victiminology of State Crimes", **Journal of Deputy of Research, Education and Citizenship Rights**, No. 21: 102-137.
- Roch, J. L. (1975), **Sociology of Poverty**, Translated by Ahmad Karimi, Tehran: Amirkabir Press.
- Roncevic N., Stojadinovic A., and Batrnek-Antoniced, (2013), "Street Children", **Journal of Srpski Arhiv Za Celokupnolekarstvo**, No. 12: 835-841.
- Rosenblatt, F. F. (2018), "the Victimization of Street Children In Brazil", **In Victimology of State Crime**, Edited By Roth, DI and Kazelarich D, Tehran: The SD Institute of Law Research and Study.
- Roth, Dawn L., and Kauzlarich, D. (2014), **Towards Victimology of State Crime**, London: Routledge.
- Van Ham, F. (2012), "Zemiology: New Discipline, Development of Criminology", **In Encyclopedia of Criminal Sciences**, Tehran, Mizan Press: 917- 929.
- Vogel, A., and Mello, M. S. (1991), "Da Cada a Rua: A Cidade Como Fascinio E Descaminho", **In O Trabalho E A Rua: Crianças E Adolescentes No Brasil Urbano Dos Anos 80**, A. Fausto And R. Cervini (Eds), 133-50. Sao Paulo: 50-133
- Benitez, S. T. De. (2007), **State of the World's Street Children: Violence**, London: Consortium for Street Children Press.
- Golami, N., and Abbasi, M. (2016), "Introduction of Governmental Crime in Light of Principles of Bioethics", **Bioethics Journal**, No. 24: 83-97. (In Persian)
- Gholami, N., (2019), **Prevention of State Crime in Light of Elements of Good Governencem**, Phd Thesis in Criminal Law and Criminology, Faculty of Lwa and Political Science of Allameh Tabatabae University. (In Persian)
- Green, P., and Ward, T. (2017), **State Crime: Governments, Violence and Corruption**, Translated by Nabiollah Gholami, Tehran: Majd Press. (In Persian)
- Hillyard, P., and Tombs, S. (2008), Beyond Criminology?, **In Criminal Obsessions: Why Harm Matters More Than Crime**. London, Pluto: 6-23.
- Kozarich D., Mateo R., Nad Miler W. J. (2011), "Victiminology of State Crimes", **Journal of Deputy of Research, Education and Citizenship Rights**, No. 21: 102-137.
- Najafai Abrandabadi, A. H. (2010), "From Criminology to Zemiology", **Research Law Journal**, No. 56: 1015- 1032. (In Persian)
- Najafai Abrandabadi, A. H, and Hasenbeigi, H. (2010), **Lexicon of Criminology**, Tehran: Ganje Danesh Press. (In Persian)
- Roch, J. L. (1975), **Sociology of Poverty**, Translated by Ahmad Karimi, Tehran: Amirkabir Press. (In Persian)
- Roncevic, N., Stojadinovic, A., and Batrnek A. (2013), "Street Children", **Journal of Srpski Arhiv Za Celokupnolekarstvo**. No. 12: 835-841.

- Rosenblatt, F. F. (2018), "The Victimization of Street Children in Brazil", In *Victimology of State Crime*, Edited by Roth, DI, and Kazelarich D, Tehran: The SD Institute of Law Research and Study.
- Ross, J. I. (2010), **The Development of Political Crime**, Translated by Hossein Gholami, Tehran, The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities Press. (*In Persian*)
- Roth, Dawn L., and David, K., (2014), **Towards Victimology of State Crime**, London: Routledge.
- Sahriari, B., and Shamsnateri, M. E. (2015), "Extensive Social Hazards in the Transition of Schools and Ideas of Criminal Law and Criminology", **Environmental Hazards Journal**, No. 13: 275- 289. (*In Persian*)
- Van Ham, F. (2012), "Zemiology: New Discipline, Development of Criminology", In **Encyclopedia of Criminal Sciences**, Tehran, Mizan Press: 917- 929.
- Viliams, F. P., and Macshin, M. D. (2011), **Criminological Theory**, Trnslated by Hamid Reza Malek Mohamadi, Tehran: Mizan Press. (*In Persian*)
- White, R., and Hinz, F. (2012), **Crime and Criminology**, Translated by Ali Salimi, Qom, Research Institute of Hawzeh and University Press. (*In Persian*)